

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز

دوره اول، شماره دوم، بهار ۱۳۶۵

### رابطه شکست تحصیلی با زمینه‌ها و شرایط خانوادگی\*

محمد خیر

دانشگاه شیراز

#### خلاصه

هدف از این تحقیق شناخت برخی از عوامل و یا ویژگی‌های خانوادگی گروهی از شکست خوردگان تحصیلی بوده است. به منظور انجام این بررسی ۴۳۹ نفر از دانش‌آموزان "موفق" و "ناموفق" در مقطع ابتدایی انتخاب و اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که در صد مردودین در کلاس‌های اول و دوم در مقایسه با دیگر کلاس‌ها بیشتر است. همچنین مقایسه‌ها، دال بر آنند که عواملی چون شغل پدر، میزان تحصیلات والدین، حضور و یا عدم حضور یکی از والدین در خانه، وضعیت اقتصادی و اندازه خانواده از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر موفقیت و یا عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر بگذارند.

---

\* بدینوسیله از مساعدت و همکاریهای مادی و معنوی کمیسیون پژوهشی دانشگاه شیراز قدردانی می‌شود.

## مقدمه

مطالعات و بررسی‌هایی که تا کنون در زمینه عوامل شکست تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده نشان دهنده آن است که این مسئله با زمینه خانوادگی در ارتباط می‌باشد. بر طبق این مطالعات عواملی چون درآمد پایین‌تر از حد متوسط، کیفیت مسکن، عدم حضور پدر در خانواده، تعداد برادران و خواهران، و شغل والدین بر شکست تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد<sup>۱</sup>. این مشکل در جهت عکس نیز صادق است، بدین معنی که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان با وضعیت اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و شغل والدین همبستگی مثبت دارد. به بیان دیگر معدل و یا نمرات درسی دانش‌آموزان هنگامی که از خانواده‌های محروم بظرف، خانواده‌های مرفه پیش‌رویم افزایش پیدا می‌کند<sup>۲</sup>. همچنین یافته‌ها نشان داده‌اند که موفقیت دانش‌آموزانی که والدین آنها در شهر متولد شده‌اند و یا والدینی که در طول تحصیل فرزندان‌شان مهاجرت ننموده‌اند بیشتر از آنهایی است که در روستا متولد شده و یا در طول تحصیل فرزندان‌شان به مهاجرت اقدام نموده‌اند<sup>۳</sup>.

هدف پژوهش حاضر شناخت برخی از عوامل خانوادگی گروهی از شکست‌خوردگان در مقطع ابتدایی است. شناسایی این عوامل می‌تواند مقدمه‌ای بر پائین آوردن میزان آن‌ها تنها در این سطح بلکه در سطوح مختلف آموزشی باشد.

## روش تحقیق

## الف: نمونه

آزمودنی‌های این پژوهش ۴۳۹ دانش‌آموز دوره ابتدایی شیراز بودند که به دو گروه موفق و ناموفق تقسیم گردیدند. گروه موفق دانش‌آموزانی بودند که در دوران تحصیل خود تجدیدی و مردودی نداشتند و گروه ناموفق دانش‌آموزانی بودند که حداقل یکسال مردود شده بودند. تعداد دانش‌آموزان در گروه موفق ۲۱۲ و در گروه ناموفق ۲۲۷ نفر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، انتخاب گردیدند. در این نمونه‌گیری ابتداء کلیه مدارس ابتدایی شیراز با توجه به موقعیت جغرافیایی به سه منطقه بالا، مرکز و پائین شهر تقسیم و از هر منطقه تعدادی مدرسه (جمعا ۲۲ مدرسه) بطور تصادفی انتخاب شد. در هر مدرسه کلاسها نیز بطور تصادفی انتخاب شدند و ابتداء از میان دانش‌آموزان مردود و سپس از میان دانش‌آموزانی که به کلاس بالاتر ارتقاء یافته بودند تعدادی بطور تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ای

به آنان داده شد تا نسبت به تکمیل آن اقدام نمایند .  
تعداد دانش‌آموزان هر کدام از کلاسهای اول تا پنجم در دو گروه موفق و ناموفق تقریباً " مساوی بود و از نظر عواملی چون مدرسه ، محل جغرافیایی مدرسه و معلم با یکدیگر مورد موازنه قرار گرفت .

**ب: ابزار تحقیق**

به منظور جمع‌آوری اطلاعات ، پرسشنامه‌های تنظیم گردید تا اطلاعات مربوط به زمینه‌های گوناگون شرایط خانوادگی ، آزمودنی‌ها در آن جمع‌آوری گردد . برخی از اطلاعات خواسته شده از این پرسشنامه بوسیله خود آزمودنی‌ها و برخی دیگر با مراجعه به پرونده‌های تحصیلی آنان تهیه گردید .

در مقایسه دو گروه موفق و ناموفق با یکدیگر ، از روشهای آماری آزمون مجذور خی و آزمون تی استفاده شده است .

**یافته‌ها**

در جدول شماره یک دفعات شکست و یا تعداد عدم موفقیت‌ها در گروه دانش‌آموزان ناموفق ارائه شده است ، بر طبق این جدول دفعات عدم موفقیت در کلاس اول ابتدایی در مقایسه با دیگر کلاسها بیشتر است . بعبارت دیگر ، دانش‌آموزانی که در کلاسهای بالاتر مردود می‌شوند احتمال اینکه در کلاس اول هم مردود شده باشند ، زیاد است . همچنین تعداد دفعاتی که یک دانش‌آموز در یک کلاس برای چندمین بار مردود می‌شود در کلاسهای اول و دوم بیشتر از سایر کلاسها می‌باشد .

**جدول ۱: دفعات شکست در دانش‌آموزان گروه ناموفق<sup>۴</sup>**

دفعات شکست	کلاس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
یک مرتبه	۹۶	۲۳/۸۷	۴۶	۱۳/۹۰	۳۰	۲۹	۲۸۰
دو مرتبه	۱۸	۵/۴۳	۱۲	۹	—	۵	۴۴
سه مرتبه	۳	—	۳	۱	—	—	۷
جمع	۱۱۷	۲۸/۴۰	۹۴	۵۶	۳۰	۲۴	۳۳۱
	۳۵/۳۴	۲۸/۴۰	۱۶/۹۲	۹/۰۶	۱۰/۲۷	۹۹/۹۹	

در زمینه عوامل مربوط به زمینه خانوادگی که بر اساس آنها دو گروه موفق و ناموفق با یکدیگر مقایسه می شوند یافته‌ها عبارتند از:

### ۱- شغل والدین

جدول ۲ اطلاعاتی را در رابطه با مشاغل گوناگون پدران آزمودنی‌ها که در سه مقوله زیر خلاصه شده‌اند در اختیار می‌گذارد این مقوله‌ها عبارتند از ۱- طبقات بالا شامل تجار عمده، کارمندان و افسران عالی‌رتبه و با سابقه و پزشکان، ۲- طبقات متوسط شامل کارمندان ادارات، معلمین، دبیران، استادان دانشگاه، افسران و درجه‌داران ارتش، روحانیون، مهندسی و مغازه‌داران، ۳- طبقات پایین شامل کارگران، رانندگان، کارمندان جزء، فروشندگان دوره‌گرد و افراد غیرشاغل.

### جدول ۲: شغل پدر در گروه‌ها \*

گروه	شغل پدر	بالا	متوسط	پائین	جمع
ناموفق	۲	۹۴	۱۱۵	۲۱۱	۵۰/۷۲
موفق	۱۶	۹۵	۹۴	۲۰۵	۴۹/۲۸
جمع	۱۸	۱۸۹	۲۰۹	۴۱۶	۱۰۰
		۴/۳۲	۴۵/۴۴	۵۰/۲۴	

\*  $P < 0/01$       \* ۲ = درجه آزادی

نتیجه آزمون مجذور نشان می‌دهد که اختلاف بین فراوانی‌های مورد انتظار و مورد مشاهده بیشتر از حدی است که در نتیجه تصادف ممکن است حاصل شود ( $p < 0/01$ ). به بیان دیگر می‌توان گفت که احتمالاً "رابطه‌های بین موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی و موقعیت شغلی پدر وجود دارد، همان‌قسم که از این جدول بر می‌آید درصد تعداد دانش‌آموزان موفق نسبت به دانش‌آموزان ناموفق در طبقات شغلی متوسط و بالا بیشتر است و برعکس درصد تعداد دانش‌آموزان ناموفق نسبت به دانش‌آموزان موفق در طبقات شغلی پایین بیشتر می‌باشد.

جدول ۳ اطلاعات مربوط به شاغل بودن مادران را در دو گروه مورد مطالعه نشان می دهد. همانگونه که از جدول برمی آید اکثریت قریب به اتفاق مادران خانه دارند و چون نتیجه آزمون مجذور خی اختلاف معنی داری را بین دو گروه مورد مطالعه نشان نداده است بنابراین می توان گفت که شاغل بودن مادر بر روی موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش آموزان احتمالا " دارای تاثیر چندانی نباشد .

جدول ۳: شاغل بودن مادر در گروهها<sup>۶</sup>

شاغل بودن مادر	خانه دار	شاغل	جمع
ناموفق	۲۰۴ ۴۷/۸۹	۱۴ ۳/۲۹	۲۱۸ ۵۱/۱۸
موفق	۱۹۲ ۴۵/۰۷	۱۶ ۳/۷۵	۲۰۸ ۴۸/۸۲
جمع	۳۹۶ ۹۲/۹۶	۳۰ ۷/۰۴	۴۲۶ ۱۰۰

۲- میزان تحصیلات والدین

در جدولهای ۴ و ۵ به ترتیب میزان تحصیلات والدین دو گروه مورد مطالعه ارائه شده است .

جدول ۴: میزان تحصیلات پدر در گروههای موفق و ناموفق\*

تحصیلات پدر	دوره بی سواد ابتدایی	تحصیلات متوسطه	دیپلم به بالا	جمع
ناموفق	۷۴ ۱۷/۷۹	۷ ۱/۶۸	۴ ۰/۹۶	۲۲۱ ۵۰/۷۲
موفق	۷۲ ۱۷/۳۱	۲۴ ۵/۷۷	۳۴ ۸/۱۷	۲۰۵ ۴۹/۲۸
جمع	۱۴۶ ۳۵/۱۰	۳۱ ۷/۴۵	۳۸ ۹/۱۳	۴۱۶ ۱۰۰

\* = ۳ درجه آزادی

P < ۰/۰۰۱

## جدول ۵: میزان تحصیلات مادر در گروه‌ها \*

گروه	تحصیلات مادر	بی سواد	دوره ابتدائی	تحصیلات متوسطه به بالا	دیپلم	جمع
ناموفق	۱۵۸	۵۱	۷	۲	۲۱۸	۵۱/۱۷
موفق	۱۰۶	۷۵	۱۴	۱۳	۲۰۸	۴۸/۸۳
جمع	۲۶۴	۱۲۶	۲۱	۱۵	۴۲۶	۱۰۰
	۳۷/۰۹	۱۱۰/۷	۱/۶۴	۰/۴۷		
	۲۴/۸۸	۱۷/۶۱	۳/۲۹	۳/۰۵		
	۶۱/۹۷	۲۹/۵۸	۴/۹۳	۳/۵۲		

\* ۳ = درجه آزادی  $P < 0/001$

همانطور که در جدول‌های ۴ و ۵ مشاهده می‌شود در دو گروه مورد مطالعه نزدیک به نیمی از پدران (۴۸/۳۲٪) و بیشتر از نیمی از مادران (۶۱/۹۷٪) آنان بی سواد بوده‌اند. نتیجه آزمون مجذور نشان می‌دهد که اختلاف بین فراوانی‌های مورد انتظار و مورد مشاهده بیشتر از حدی است که در نتیجه تصادف ممکن است حاصل شود ( $p < 0/001$ ). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان میزان تحصیلات والدین اثر دارد و وجود نوعی رابطه محتمل است.

## ۳- حضور یا عدم حضور والدین

در جدول ۶ حضور یا عدم حضور یکی از والدین در گروه‌ها ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد در صد فوت یکی از والدین در گروه ناموفق (۵/۶۹٪) بیشتر از گروه موفق (۲/۵٪) می‌باشد. نتیجه آزمون مجذور در مورد جدول ۶ اختلاف معنی داری را بین دو گروه نشان داده است. بدین معنی که فراوانی افراد ناموفق که یکی از والدین خود را از دست داده‌اند بطور معنی داری بیشتر از گروه موفق می‌باشد ( $p < 0/05$ ). نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مرگ هر یک از والدین در عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان ایفاء نقش می‌کند و تا حدی بر کار تحصیلی آنها اثر می‌گذارد.

## جدول ۶: فوت یکی از والدین در گروهها \*

گروه	والدین زنده	فوت	جمع
ناموفق	۲۰۲ ۴۶/۰۱	۲۵ ۵/۶۹	۲۲۷ ۵۱/۷۱
موفق	۲۰۱ ۴۵/۷۸	۱۱ ۲/۵۰	۲۱۲ ۲۸/۲۹
جمع	۴۰۳ ۹۱/۸۰	۳۶ ۸/۲۰	۴۳۹ ۱۰۰

\*  $P < 0/05$  = ۱ درجه آزادی

## ۴- وضعیت اقتصادی خانواده

از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق (حدود ۹۰ درصد) آزمودنی‌ها به سؤال میزان درآمد والدین خود پاسخ نداده‌اند بنابراین در این مورد نمی‌توان هیچگونه اظهارنظری نمود. اما نتیجه پاسخ آنان به تعداد اطاقهایی که در خانواده در اختیار داشته‌اند در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

## جدول ۷: تعداد اطاقها در خانواده

گروه	ناموفق میانگین	ناموفق انحراف معیاری	موفق میانگین	موفق انحراف معیاری	t
تعداد اطاقها	۲/۷۹	۱/۳۸	۳/۰۷	۱/۴۲	۲/۰۹*

\*  $P < 0/05$

بر طبق این جدول میانگین تعداد اطاقها در گروه ناموفق (۲/۷۹) کمتر از گروه موفق (۳/۰۷) می‌باشد و آزمون نیز اختلاف معنی‌داری را بین دو گروه نشان داده است ( $P < 0/05$ ). اگر تعداد اطاقها را شاخصی از وضعیت اقتصادی خانواده فرض کنیم در این صورت شاید

بتوان نتیجه گرفت که وضعیت اقتصادی خانواده می‌تواند در موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی موثر باشد.

#### ۵- اندازه خانواده

در جدول ۸ اندازه خانواده یعنی تعداد افراد خانواده به استثنای والدین در گروههای موفق و ناموفق ارائه شده است. بر طبق این جدول میانگین تعداد برادران، خواهران و مجموع آنان در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق است. تحلیل آماری بیشتر این عامل نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین تعداد برادران در گروهها دارای اختلاف معنی‌داری می‌باشد، بدین ترتیب که میانگین تعداد برادران در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق بوده است ( $P < 0/02$ ). از سوی دیگر تفاوت بین میانگین تعداد خواهران در گروهها اختلاف معنی‌داری را نشان نداده است. اما نتیجه تفاوت بین میانگین مجموع خواهران و برادران در گروهها اختلاف معنی‌داری را نشان داده است. جهت این اختلاف بدین ترتیب است که میانگین مجموع برادران و خواهران در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق می‌باشد ( $P < 0/01$ ). با توجه بدین نتایج شاید بتوان بدین نظر رسید که احتمالاً "اندازه خانواده یکی از عواملی باشد که بتواند بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد."

#### جدول ۸: اندازه خانواده در گروهها

گروه	میانگین	ناموفق	موفق	میانگین	انحراف معیاری	انحراف معیاری	t
برادران	۲/۳۵	۱/۵۳	۱/۹۷	۱/۵۰	۲/۶۲*		
خواهران	۲/۰۵	۱/۴۶	۱/۸۴	۱/۳۵	۱/۵۶		
مجموع خواهران و برادران	۴/۴۳	۲/۱۰	۳/۷۸	۲/۰۳	۳/۳۱**		

\*  $P < 0/02$

\*\*  $P < 0/01$



## ع مهاجرت خانواده

در جدول ۹ مهاجرت خانواده آزمودنی‌ها به شهر شیراز مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول ۹: مهاجرت خانواده به شهر شیراز

گروه	آیا مهاجرت صورت گرفته		جمع
	منفی	مثبت	
ناموفق	۱۶۷	۶۰	۲۲۷
	۳۸/۵۴	۱۳/۶۷	۵۱/۷۱
موفق	۱۷۱	۴۱	۲۱۲
	۳۸/۹۵	۹/۳۴	۴۸/۲۹
جمع	۳۳۸	۱۰۱	۴۳۹
	۷۶/۹۹	۲۳/۵۱	۱۰۰

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در صد مهاجرت به شهر شیراز در گروه ناموفق (۱۳/۶۷ در صد) بیشتر از گروه موفق (۹/۳۴ درصد) بوده است. علی‌رغم این تفاوت نتیجه آزمون مجذور، اختلاف معنی‌داری را از نظر مهاجرت خانواده‌ها بین دو گروه نشان نداده است.

## ۷- تغییر مدرسه

در جدول ۱۰ تغییر مدرسه آزمودنی‌ها در دو گروه موفق و ناموفق ارائه شده است. مجموعاً " ۲۲/۵۵ در صد از افراد در دو گروه، مدرسه خود را در طول تحصیل تغییر داده‌اند. از این تعداد ۱۲/۷۶ در صد در گروه ناموفق و ۹/۷۹ درصد در گروه موفق بوده است. بنابراین همانگونه که مشاهده می‌شود دانش‌آموزان ناموفق بیشتر تغییر مدرسه داده‌اند. با وجود این تفاوت نتیجه آزمون مجذور اختلاف معنی‌داری را نشان نداده است؛

جدول ۱۰: تغییر مدرسه در گروه‌های

گروه	تغییر مدرسه		جمع
	بله	خیر	
ناموفق	۵۶	۱۷۱	۲۲۷
	۱۲/۷۶	۳۸/۹۵	۵۱/۷۱
موفق	۴۳	۱۶۹	۲۱۲
	۹/۷۹	۳۸/۵۰	۴۸/۲۹
جمع	۹۹	۳۴۰	۴۳۹
	۲۲/۵۵	۷۷/۴۵	۱۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر گردید هدف از این پژوهش بررسی شکست تحصیلی و رابطه آن با زمینه‌های خانوادگی گروهی از دانش‌آموزان در دوره ابتدائی بوده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که:

۱- سالهای اول دبستان دارای اهمیت ویژه‌ای است و ضرورت دارد که بدان توجه خاصی مبذول گردد. تحقیقات غربی نشان داده‌اند که تقریباً "۱۲ درصد دانش‌آموزان مدارس ابتدائی به تعلیم و تربیت ویژه‌ای نیاز دارند و از میان این تعداد (۱۲ درصد) حدود ۷۵ درصد آنها نوعی از اختلالات یادگیری را به‌مراه دارند<sup>۷</sup>. شاید بالا بودن درصد مردودین در کلاسهای اول و دوم ناشی از اختلالات جزئی در یادگیری آنها می‌باشد و می‌توان با مقداری کوشش و آگاهی در صدد مقابله با آنها برآمد.

۲- پژوهش حاضر نشان داد که شغل پدر بر موفقیت و عدم موفقیت دانش‌آموزان تاثیر دارد ( $p < 0/01$ ). بر طبق یافته‌های جدول ۲ بیشترین درصد گروه موفق مربوط به طبقات متوسط و بیشترین درصد گروه ناموفق مربوط به طبقات پائین اجتماع بوده‌اند. پژوهشی که در زمینه مقایسه دو گروه از دانشجویمان موفق و ناموفق در دانشگاه شیراز انجام گرفته مطلب فوق را در مقطع تحصیلات دانشگاهی نیز تأیید می‌نماید<sup>۸</sup>. شاغل بودن مادر احتمالاً بر موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر چندانی نداشته است.

۳- از جمله عواملی که بر موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر چشم‌گیری دارد میزان تحصیلات والدین است. بر طبق برخی از تحقیقات میزان تحصیلات پدر معیار خوبی جهت نشان دادن محیط فرهنگی خانواده و زمینه اجتماعی و اقتصادی آن می‌باشد<sup>۹</sup>. پژوهش‌های دیگری که در سطح دانش‌آموزان متوسطه و ابتدائی انجام گرفته از همبستگی مثبت بین میزان تحصیلات والدین و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان خبر می‌دهد<sup>۱۰</sup> که نتیجه بدست آمده در این پژوهش با تحقیقات یاد شده هم‌آهنگ می‌باشد.

۴- حضور و یا عدم حضور یکی از والدین مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بدست آمده نشان داد که درصد فوت یکی از والدین در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق بوده است ( $P < 0/05$ ). این نتیجه همچنین در پژوهشی که در سطح دانش‌آموزان دوره متوسطه انجام گرفته بدست آمده است<sup>۱۱</sup>. البته چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نمی‌تواند باشد چون به‌رحال از دست دادن پدر و یا مادر به احتمال زیاد مسائل و مشکلات عاطفی فراوانی می‌تواند در دانش‌آموزان خصوصاً "دانش‌آموزان دوره ابتدائی ایجاد نماید و در نتیجه روی موفقیت

تحصیلی آنها تاثیر بگذارد.

۵- مطالعه وضعیت اقتصادی خانواده‌ها نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان در هر دو گروه به میزان درآمد والدینشان پاسخی ندادند. عدم پاسخ بدین سؤال ممکن است معلول عدم اطلاع آنان از میزان درآمد والدین خود و یا ایجاد حالت دفاعی در آنان و احتمالاً "علل و عوامل دیگر باشد".

عامل دیگری که در این رابطه مورد مطالعه قرار گرفت تعداد اطاقهای موجود در خانه آزمودنی‌ها بود. نتیجه بدست آمده نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین میانگین تعداد اطاقهای موجود در خانه دو گروه وجود دارد ( $P < 0/05$ ). اگر تعداد اطاقها را شاخصی از وضعیت اقتصادی خوب خانواده فرض نمائیم، در این صورت می‌توان استنباط کرد که خانواده‌های گروه ناموفق در مقایسه با گروه موفق در وضعیت اقتصادی ضعیف‌تری قرار دارند و چنین برداشتی با نتیجه تحقیقات پیشین همخوانی دارد<sup>۱۲</sup>.

۶- در زمینه عامل اندازه خانواده نتایج بدست آمده نشان داد که مجموع تعداد خواهران و برادران در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق بوده است ( $P < 0/01$ ) که این نتیجه نیز در جهت تحقیقات پیشین می‌باشد. پژوهشی که در مورد دانشجویان اخراجی دانشگاه شیراز انجام گرفته، نشان داده است که ۹۰ درصد از این دانشجویان از خانواده‌هایی آمده‌اند که با محاسبه والدین تعداد آنها از ۶ نفر کمتر نبوده است<sup>۱۳</sup>. دلیلی که بر این پدیده ذکر شده این است که اولاً "در خانواده‌های کم جمعیت والدین بهتر می‌توانند به وضعیت تحصیلی فرزندانشان رسیدگی نمایند و خیلی زودتر از خانواده‌های پر جمعیت به ضعف تحصیلی آنان پی می‌برند و سعی در برطرف کردن آن می‌نمایند. و ثانیاً آنکه والدین در خانواده‌های کم جمعیت خیلی بهتر می‌توانند به نیازهای عاطفی فرزندانشان، که یکی از مهمترین نیازهای اساسی کودکان کم سن و سال است پاسخ گویند.

۷- اگر چه درصد مهاجرت خانواده‌ها در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق بوده است ولی از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود نداشت، این نتیجه با پژوهشی که در مورد دانش‌آموزان دوره متوسطه انجام گرفته مغایرت دارد<sup>۱۴</sup>. شاید دلیل این مغایرت این باشد که دانش‌آموزان دوره ابتدائی بدلیل بودن در سنین پائین‌تر پس از مهاجرت زودتر و بیشتر از دانش‌آموزان سنین بالاتر بتوانند خود را با محیط جدید تطبیق دهند.

۸- بررسی تغییر مدرسه در بین دو گروه نشان داد که اگر چه تغییر مدرسه در گروه ناموفق بیشتر از گروه موفق بوده است ولی این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نبود و بنابراین

نمی‌توان نقش چندانی در موفقیت و عدم موفقیت تحصیل برای آن قائل شد. بطور خلاصه می‌توان گفت که عواملی چون شغل پدر، تحصیلات والدین، فوت یکی از والدین، وضعیت مسکن، و اندازه خانواده از جمله عواملی هستند که بر موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. این نتیجه‌گیری با نتایج بدست آمده از تحقیقات مشابه در سطوح متوسطه و دانشگاهی همخوانی داشت. انطباق این نتایج بر یکدیگر قابل تعمق و بررسی دقیق است و شاید نشان دهنده یک جریان یا روند باشد. روندی که از دوره ابتدائی آغاز میشود و تا متوسطه و حتی دانشگاه نیز ادامه پیدا می‌کند.

### منابع

1. Cornelius, M.L.; and Cockburn, D. "Influence on Pupil Performance." *Educational Research*, 1978, 21, PP. 48-53; and Hodges, V. "Non-Ahendance at School" *Educational Research*, 1968, 11-12, PP. 58-61.
2. Cornelius, M.L.; and Cockburn, D. "Influence on Pupil Performance," 48-53; and قره‌خانی، هوشنگ؛ و مهریار، امیر هوشنگ. "بررسی شرایط اجتماعی - اقتصادی دانش - آموزان مناطق مختلف شیراز و رابطه آن با درجه موفقیت تحصیلی آنان." *مجموعه مقالات مرکز جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۶.*
3. Robinson, V. "The Achievement of Asian Children." *Educational Research*, 1979, 22, PP. 148-150.
- ۴- در این جدول و جدولهای بعدی اعداد بالا فراوانی و اعداد پائین در صد فراوانی را نشان می‌دهد.
- ۵- در این جدول و جدول ۴ به دلیل فوت تعداد ۱۶ نفر از گروه ناموفق و ۷ نفر از پدران گروه موفق مجموع نفرات به ۴۳۹ نرسیده است.
- ۶- در این جدول و جدول ۵ به دلیل فوت تعداد ۹ نفر از گروه ناموفق و ۴ نفر از مادران گروه موفق مجموع نفرات به ۴۳۹ نرسیده است.
7. Warren, S.A. and Taylor, R.H. "Education of Children with Learning problems." *The Pediatric Clinics of North America*, 1984.
- ۸- حسینی، سیدعلی‌اکبر. "مقایسه دو گروه از دانشجویان موفق و ناموفق در دانشگاه شیراز." *مجله روان‌شناسی، سال سوم، شماره هشتم، آذرماه ۱۳۵۲، ص ۱۸-۱۰۱.*

